

میرسانند این ترتیبی است که از برای ادارات هست مجلس هم بطور غیر مستقیم در آن نظر دارد و آن از راه بوده است که وقتی بودجه اش را میاورند می بیند که نوشته اند فلان رئیس کسلی آنوقت میگوید این اداره ریاست کل لازم ندارد و حقوق مدیریت کل با مراتب دیگر را باو میدهد و بالاخره مجلس از راه بودجه نظامنامه داخلی آن فرماید برای منشی سدره است لکن این درجات مابین دیگر حداقل و اکثر ندارد و در واقع ترفیع رتبه و اضافه حقوق را وقتی که لایق شد یک مرتبه باو داده میشود بجهت اینکه در واقع این سدره یک شبه محسوب می شود و لکن برای اینکه حداقل و اکثر ندارد سدره درجه نوشته شده است حال ممکن است که وزارتخانه ها یکی دارای پنج درجه باشد از این درجات و یکی دارای سه درجه از آنها و یکی که باشد کمتر دیگر حتم نیست که هر وزارتخانه باید تمام این درجات را دارا باشد .

**مشیر حضور** - بنده تصور می کنم که اگر چنانچه این قانون از مجلس بگذرد یک بهانه بدست وزراء اجزاء ادارات خواهد آمد و اجزاء ادارات را حالا هم که شورای دولتی نیست زیاد خواهند کرد پس خوب است که از حالا این هفت وزارت خانه را که مداریم اعضای را معین بکنیم که بی جهت زیاد نکنند .

**فهییم الملك** - اجزاء ادارات وزارت خانه ها را ماسی نورین تعیین بکنیم مادرجات خدمت آنها را معین میکنیم بعد بودجه آنها خواهد آمد مجلس را ننگی ما اینجا نوشته ایم که باید با تصویب هیئت وزراء ریاست بکنند و هیئت وزراء کافی است و الا تا الان که اعضاء زیاد کرده اند یا مکرر مکرر به اصناف مجلس بوده است که بعد از این بهاصاف او باشد ترتیب تعیین مراتب اعضاء ادارات ربطی به مجلس ندارد و هر مرتبه باشد در قانون مصیبت عمومی که رای سده شد بین در هر موقع که در این بودجه باید فصل بفس رای داده شود بیشتر مقصود این بوده جزئیات از دفتر دارو منشی نباید در مجلس مطرح مد دره بشود مسایک کلماتی برای ترتیب ادارات وزارت خانه ها باید بنویسیم دیگر سایر جزئیات آن راجع به هیئت وزراء و شورای دولتی ربطی بمجلس ندارد داخل مدارا آن بشود

**آق محمد** - در این فقره استخدام برای خدمت جدید یک ترتیبی در اینجا معین کرده است که بنظر بنده حالی از اشکال نیست نوشته است که نظر با همیت و زحمت آن خدمت با یکی از درجات ذیل تطبیق میشود - فرضاً اگر مرتبه باشد که بالا تر از همه آنها باشد چه خواهند کرد پس به همین عبارت که نظر با همیت خدمت و زحمت درجه از برای او معین می شود اگر نوشته شود کفایت می کند والا اینکه با یکی از درجات ذیل تطبیق میشود بی محل است .

**فهییم الملك** - درجات خدمت ادارات را هر قدر ملاحظه بفرمائید که کمالات خارج از این درجات

نیست حالا اگر یک وقتی بخواهند مأموری بجای بفرستند و بخواهند یک درجه فوق العاده یا خیلی یستی یا بدهند این راهم ممکن است مذاکره بکنند و یک درجه دیگری برای تأسیس بکنند ولی میزان حقوق آن را بطوریکه ملاحظه فرمودند می شود طوری قرارداد که با یکی از این درجات تفاوتی نداشته باشد .

**شیانی** - فرمایشات مفصل آقای مغیر بهیچوجه بنده را قانع نکرد و لازم است عرض کنم که ما خودمان نباید فراموش بکنیم و اخلاق خودمان را باید بدانیم که با یک مدتی است که برای اشخاص کار پیدا می کنیم نه اینکه برای کار اشخاص پیدا بکنیم که لایق باشند می خواهند فلان آدم که بیکار است او را از سر خودشان باز کنند یا اینکه واقفاً یک کاری باو داده باشد که بیکار نباشد حالا ما اینجا آمده ایم سه نفر معاون معین کرده ایم مدیر کل و رئیس کل و درجات عالی را زیاد کرده ایم و بقیه بنده این ترتیب یک ترتیب صحیحی نیست و تصور میکنم که با این ترتیب بهیچوجه من الوجوه شورای دولتی نتواند جلوی این را بگیرد بعضی این که این قانون گذشت اشخاص پیدا خواهند شد که متوقع اند آن درجات عالی را صاحب بشوند و هیچ نظر نمی کنند باینکه بودجه مملکت کفایت حقوق آنها را نمی کند به ترتیبی که باشد داخل خواهند شد و آنوقت هیچ نمی توان کسر بودجه را تدارک کرد پس ما باید عجزاً و سستی ادارات را کم بکنیم که هیچ نمیتواند بخیال این درجات بمانند و یک چنین بی ترتیبی در کار واقع نشود .

**فهییم الملك** - بنده خیلی مفصل عرض نمی کنم میفرمائید بعضی گذشتن این قانون اشخاص پیدا میشوند که می خواهند دارای این مقامات عالی باشند بنده عرض می کنم که این اشخاص باید یک کاری هم بکنند یا اگر کاری نباشد آن اشخاص که وارد می شوند چه کاری خواهند کرد یا اینکه می فرمایند اشخاص را بدون کار میریزند آنجا می نشاندند این طور نخواهد بود وقتی که خدمت و کار آنها معلوم شد معین می شود که این شخص رئیس شهبه است یا رئیس دایره است یا رئیس اداره مقرر چه مقامی بازده شود والا اینکه بدون شغل وارد بشوند آن یک مسئله است علیحدگی که ربطی بترتیبات قانون ندارد .

**رئیس** - آقای معز الملک مخالف هستید؟  
**معز الملک** - بنده پیشنهادی در این ماده کرده ام می خواستم عرض کنم که خوانده شود .  
**رئیس** - پیشنهاد سر کار رسیده است .  
**معز الملک** - بنده راجع بنام این مواد در یک ورقه پیشنهاد کرده بودم و در جلسه قبل تقدیم نمودم .

**رئیس** - تجدید می کنید - بعد هم ممکن است که بخواهیم در آن رای بگیریم - حالا چون دیگر مخالفی در این ماده نیست ماده قرائت میشود (بمبارت ذیل قرائت شد) - ماده (۹) - عزل و نصب مستخدمین از درجه

وقت هم هیچ ثابت نمیشود که این وجه الضمانه را ما می گیریم از برای اینکه اگر او خلاف کرد ما او را جریمه کنیم بلکه یک وسیله تعدیدی و تأمینی است برای کسیکه این وجه الضمانه را داده است و یک حرکت داخلی است و او را منع میکند که مرتکب خطو خطا نشود و یک حس اداره بر این ها پیش خواهد آورد که روسای دوائر را مطمئن خواهد کرد که اگر پنج تومان نماند صندوقدار از عایدی و ابواب جمعی خودش کسر آورده و چه وسیله آنوجهی که شاید عاید بیت المال مملکت بود از او می گیریم و بنده بکلی مخالفم با اینکه این چند ماده وجه الضمانه از این قانون ثبت اسناد خارج بشود ما اگر چنانچه قانونی از برای تضمین صاحبان جمع و مباشرین دولتی وضع خواهیم کرد و مقرر خواهیم داشت چه ضرر دارد که پنج ماده هم راجع به ثبت اسناد در قانون ثبت اسناد معین کرده باشیم و نگوییم یک وقتی از برای اداره مالیه هم معین خواهیم کرد و اگر معین نخواهیم کرد که معلوم است بهیچوقت نمی خواهیم بطور سخت مرتب و منظم شده باشد و بنده در اینجا چون آقای مغیر تشریف ندارند خیلی مشغول خواهم شد که حضرت آقای مدرس که تشریف داشته اند و شاید هم پیشنهادی کرده اند برای حذف آن - مواد اگر لایق دارند از برای قناعت بنده خواهند فرمود .

**آقا محمد** - بنده در فرمایش آقای آقا میرزا ابراهیم خان عرضی داشتم راجع به بیت المال که در ضمن بیانات خودشان فرمودند که چه صحیح است که خزانه دولت راجع به بیت است ولی در آنسال واسطلاحی که وضع شده است راجع به خزانه دولت وضع نشده است و بنده این را رد می کنم و نمی توانم بشنوم .  
**حاج آقا** - بنده کاملاً موافقم با راپورت اول کمیسیون که این هشت ماده باید باشد و تمام فرمایشات آقا میرزا ابراهیم خان را تصدیق می کنم و علاوه بر اینکه راجع به مالیه ملت و دولت فرمودند باید آنکسیکه این مالیه دولت است و یک وجه الضمانه هم بدهد علاوه بر این یک خصوصیت دیگری هم دارد که باید انسان مطمئن باشد که مالی را از دولت میگیرد مصون و محفوظ بماند بهمان ترتیبیکه در قانون ثبت اسناد خوانده شد علاوه بر این عرض می کنم که این مخصوص به مالیه دولت نیست یعنی این وجه الضمانه برای تضمین مالیه دولت نیست برای خسارت بر اموال مردم هم هست که در ماده هشت اگر ملاحظه بفرمائید می نویسند (مباشرین ثبت باید قبل از مباشرت بقتل خود مبلغی بعنوان وجه الضمانه برای ادای خسارات وارده بر اشخاص و جزایهای نقدیه که در صورت تخلف مباشرین ثبت از وظایف خود بدهند آنها وارد می آید دو صندوق معکله بمائنهائی مثل تودیع نمایند و مقدار آن مبلغ را وزیر عدلیه با موافقت وزیر مالیه در داشته معین خواهد کرد پس در نظر در اینجا است یکی راجع به خساراتیکه با اشخاص وارد می شود مثلا راجع بامانات مردم یکی راجع به مالیه دولتی پس تنها راجع به مالیه دولتی نیست راجع به اشخاص هم هست و نمی شود در آنها مسامحه بکنیم چون بعضی اوقات راجع میشود باماناتیکه پیش مباشرت گذشته اند یک وجه الضمانه تضمینی در استخدام نیست پیش از

و اینکه ما اینرا موکول می گذاریم از برای اینکه هر وقت از برای کلیه صاحب جمعهای دولتی یک قانون نوشتم آنوقت در ضمن این مواد هم باشد این میشود بجهت اینکه در صاحب جمعهای دولتی بواسطه اینکه آن یک وجه الضمانه کلی لازم دارد شاید دچار اشکالات دیگر شویم و اینجا در خصوص مباشرت آنها وجه الضمانه لازم ندارد چون جمعی جزیست باید باشد علاوه از برای تأمین حقوق اشخاص دیگر است در اینجا این وجه الضمانه و در خصوص مباشرین دولتی از برای تأمین تضمین رجوع دولتی است تصور خود باشخاص نمی شود .

**آقا سیدحسین مدرس** - این مطلب خیلی مذاکره شد جهت اشکال همین لفظی است که بیان کردند از باب عدم اقتضای حال است مقصود این است که نه این همه که اشکال دیگری داشته که راجع بنظر بنده بوده است هیچ صلاح دیدند که امروزه مملکت در خصوص این مواد این اقتضای را ندارد اگر بطور کلی یک وجه الضمانه برای کلیه صاحب جمعهای دولت تعیین شود اینهم یکی از آنها باشد نکته این بود و اما آن بیانی که آقای حاج آقا فرمودند در باب خسارات خواهد آمد که خساراتیکه وارد میشود بر مباشرت منحصر است با آن وجهیکه از برای ثبت اسناد گرفته است و اسناد را ثبت کرده است و آن خسارات آنها را اقتضا ندارد که یک پول نقدی در صندوق بگذارد خصوصاً حالا که نمی دانم ترتیب صندوقها چه قسم است .

**رئیس** - مذاکرات کافی است .  
**حاج آقا** - کافی نیست عرضی دارم .  
**رئیس** - اگر بخواهیم مذاکره کنیم ۱۲ نفر قبل از سر کار اجازه خواسته اند پس رای میگیریم در اینکه مذاکره را هم این کافی می دانند یا نه اینند که سائیکه مذاکره را کافی میدانند قیام نمایند - مذاکرات معلوم می شود کافی نیست آقای افتخار - الواظین بفرمائید .

**افتخار الواعظین** - اینجا بنده از برای اینکه فرمایشات آقای میرزا ابراهیم خان و آقای حاج آقا را تکرار نکنم عرض می کنم که آقای مدرس فرمودند اگر چنانچه در راپورت کمیسیون نوشته شده است با اقتضای حال بود است بنده عرض می کنم بلکه اقتضای حال اینست که وجه الضمانه را بدهد برای اینست که امروز باید ملاحظه حال مردم و وضع مردم را بکنیم مردم وقتی مطمئن خواهند شد که ببینند ملاحظه عموم شده است .

وقتی رجوع خواهند کرد با اداره ثبت اسناد که ببینند علاوه بر آن وظایفی که اینجا معین شده است برای مباشر ثبت اسناد علاوه آن وظایف دولت یک وجه نقدی هم از او گرفته است دو صندوق گذاشته است که اگر بکسی خسارت وارد بیاورد آن پول را دولت در ازای خساراتی که بآن اشخاص وارد آورده است خواهد داد که اسباب زحمت آنها هم نشود اینهم از یک طرف اسباب اطمینان مردم و از یک طرف اسباب اعتبار اداره می شود که بیشتر رجوع خواهند کرد با اداره بیشتر اسناد خودشان را

ثبت خواهند کرد و این که می فرمائید مقتضی حال نیست ملت عدم اقتضای شاید نظرشان باین باشد که شاید مردمانی باشند که کافی و لایق برای اربکار باشد و لکن مکرر بدان وجه الضمانه نباشد و این اسباب این شود که آنها معرور بمانند از این خدمت این صحیح است اگر چه این یک اندازه مباشرین ثبت را بضیق خواهد افتاد و کمتر اشخاص هم خواهد رسید برای این اداره لکن اشخاص کمتر هم برسند و مقید باشند بهتر است از یک زمانی که محل اطمینان مردم نباشند بدون وجه الضمانه وارد شده باشند و بنده عرض می کنم وجه الضمانه چه از برای صاحب جمعهای ولایات نقدی جنس وضع شود یا وضع نشود از برای حفظ مالیات و بیت المال ولی در مورد این اداره بخصوص عرض می کنم که بنده لازم می دانم و یکی از اسبابی مردم که موجب باقی این اداره است این وجه الضمانه است .

**آقا شیخعلی شیرازی** - در شور اول هم بنده مخالف بودم با این وجه الضمانه و عرض کردم اگر بگیریم که بیست تومان یا سی یا چهل تومان مثلا پول بدهد برای این - اگر خلاصی کرد و خسارتی بکسی وارد آورد آنوقت از آن وجه الضمانه آن خسارت را بدهند بنده عرض می کنم اگر خسارت بیش از آن وجهی شد که بعنوان وجه الضمانه داده است آنرا کی خواهد داد کی از عهد برمی آید این اسباب این می شود که فقرا معرور می شوند از این کار و آنکه این پول هم پول مالیه نیست یک وجه قلبی است که از برای ثبت می گیرند و آنرا هم که مباشر نحویل می دهد چیزی بیش اونمی نماید علاوه بر این وجهی که از او گرفته می شود و صندوق سپرده می شود ترتیب صندوق معلوم نیست و آقای مشیرالدوله هم تصدیق کردند که اگر این نظر نبود تصدیق می کردم لکن چون این نظر هست منم این نظر را دارم اینقدر را تصدیق فرمودند

**معز الملک** - این جا دو مسئله است که باید سنجید که کدام یک مهمتر است آنوقت آنرا اتخاذ کرد یکی آنست که کسانی که مخالفند با وجه الضمانه میگویند شاید اشخاص قابل باشند و قیام باشند که بتوانند وجه الضمانه بدهند آنوقت معرور از خدمت شوند و اینرا هم نباید تصور کرد که این وجه الضمانه ده هزار تومان نخواهد بود که اغلب نداشته باشند یک وجه کمی است که بتوانند از عهد بر آیند آنوقت بهیچینم فقط برای این که یک عده معرور نباشند چه زحمتی وارد خواهد شد بر ما چون این اداره یک اداره اجباری نیست که مردم مجبور باشند اسناد خودشان را بپردازند ثبت کنند یک اداره اختیاری است هر کس مختار است که سند خودش را ببرد ثبت بکند و چون این اداره برای ما نافع است و هر چه از این اداره رواج زیادتر شود در مملکت البته بهتر است و منافع حالی و مالی دارد و بزرگتر چیزی که می تواند خروج این اداره باشد همان اعتبار این اداره است و این اداره معاندان که یک اعتبار کلی







حاج سید ابراهیم - این رابورت سابق از کمیسیون بودجه آمده است چرا بکمیسیون دیگر برود...

رئیس - حالا میخواهد بکمیسیون بودجه برود و بکمیسیون دیگر نرود اہمیت ندارد دستور مجلس هم تغییر نمی کند...

حاج سید ابراهیم - کترات میو مولیرتکه معاون وزارت پست تقاضا کرد...

رئیس - اگر قبل از روز سه شنبه رسید کجزه دستور سه شنبه میگناریم والا جزه دستور پنج شنبه می شود...

مجلس رسامت از شب گذشته ختم گردید جلسه ۲۳۶ صورت مشروح روز سه شنبه ۱۸ شهر ربیع الثانی

مجلس سه ساعت و نیم قبل از غروب برباست آقای مؤتمن الملک افتتاح و سه ساعت و ربع قبل از غروب رسماً منعقد شد...

آقای معاضد الملک صورت مجلس سوم شنبه ۱۵ و اقراآت کرد ( اسامی غائبین جلسه قبل بترتیب ذیل اقراآت شد )...

دکتر امیرخان - بنده در جلسه قبل حاضر بودم آقای رئیس بنده را برای کار مخصوصی فرستاده بودند تعجب میکنم باوجود این بنده را غائب نوشته اند و با اداره مباشرت اطلاع ندادند...

رای گرفته با اکثریت قبول وصحت اعتبارنامه تصویب شد رئیس - چون عمده برای اخذ رای کافی نیست...

رئیس - بودجه سنه ننگوزیل و حساب سال ایت ذیل مجلس است که آقای ارباب پیشنهاد کرده اند...

رئیس - بودجه سنه ننگوزیل و حساب سال ایت ذیل مجلس است که آقای ارباب پیشنهاد کرده اند هر دو بکمیسیون محاسبات رجوع میشود...

مخیر کمیسیون عدلیه ( آقا شیخ ابراهیم) چون این مسئله مهمی است بنده حاضر آقایان را مینویسم که سهولت رای بدهند چون مادر این قانون نوشتم با ببرات با بحواله است...

رئیس - در کلیات این قانون مخالفی نیست ؟ ( اغلب اظهار کردند مخالف نیست ) رئیس - حالا که مخالف نیست رأی میکنیم که داخل در دستور وارد شود...

قوانین دولت - بنده عقیده ام این است که موادی که گذشته است از مجلس سابق و در آنها اصلاحی نشده است آنها شورش لازم نیست فقط در موادی که اصلاح شد است باید مذاکره کرد...

بعضی امضاء کردند برات این امضاء دلیل بر اشتغال ذمه نمی شود به معنی برات کردن که به آدمش پایه یک شخصی که طرف او است بنویسد که فلان مبلغ پول بفلان شخص بده این دلیل نمی شود که ذمه ایل مشغول است لکن در اغلب ببرات مسمول است مسمی نویسدند که من مسئول مبلغ پول از فلان آدم گرفتم...

آقا شیخ ابراهیم زنجانی - نظری که آقا فرمودند نظر صحیحی است لکن هر گاه برات چنین چیزی باشد که من پول را گرفتم بدهید او دیگر این قانون را نمی خواهد پس از آنکه نوشت من فلان پول را گرفتم...

رئیس - در کلیات این قانون مخالفی نیست ؟ ( اغلب اظهار کردند مخالف نیست ) رئیس - حالا که مخالف نیست رأی میکنیم که داخل در دستور وارد شود...

قوانین دولت - بنده عقیده ام این است که موادی که گذشته است از مجلس سابق و در آنها اصلاحی نشده است آنها شورش لازم نیست فقط در موادی که اصلاح شد است باید مذاکره کرد...

خیلی از ببرات فرض می شود یعنی حواله دهنده ببرات دهنده حواله می کند که تا یک ماه دیگر آزما بدهم بامید این که در این مدت پول را بگیرد پس فقط برات دلیل نمی شود صراحتاً بر اشتغال ذمه حواله دهنده و این را که آقای مفر می فرمایند...

آقا شیخ ابراهیم زنجانی - بنده گمان ندارم کسی که حواله کند بفلان آدم که فلانقدر پول بده باین شخص و نه از او پول گرفته باشد نه قبض گرفته باشد یا این که با او مدیون نباشد و این وجهی را که حواله می کند در داده دین خودش باین شخص حواله نکرده باشد...

حاج وکیل الرعایا - مقصود از این کار این است که اجرا را در از مطلق نگذارند و تکلیف او را یعنی تکلیف قومه مجریه پیش بین معین شده باشد اگر بنده در مجلس بشک نفر موافق هم نداشته باشم...

در سال يك مبلغ زیادی بگیرد از مردم و حواله بدهد و آن شخصی که طرف این بوده و با حواله کرده برود بی کارش و آنوقت این شخص که حواله کرده بیکلی خودش را از این ضمانت خلاص کرده است و اینکه این پول را گرفته میرود بی کار خودش...

آقا شیخ ابراهیم زنجانی - بنده نفهمیدم آیا بکجا بر خورد صحبت های آقای وکیل الرعایا صحبت در قبول و قبولی نویسنده نبود در ماده اول مذاکره بود ماده اول این بود که برات کننده برات کرده است...

او واقفیت هم نداشته باشد ملزم میکند او را بدهد و نیت حالا باید دید که این مفهوم کلی با و اطلاق می شود یا نه معلوم است که اطلاق شود و این را اقرار میکنند و همانطور که آقای حاجی امام جمعه فرمودند انکار بعد از اقرار هم مدعوع نخواهد بود...

معین الرعایا - بنده اولاً خیلی افسوس دارم که قانون قبول و تکوین بارات با آن متانت سابقاً مجلس گذشت ماجرا با این مواد میخواهم آنها را فسخ کنیم...

بهرت - تا امروز کیفیت بارات کردن در مملکت ما مشکل مختلف داشته است یعنی هر کسی که برات میکردند مستعملی بکس بود بکس می دادند و بعضی بکس بکس می دادند و بعضی بکس بکس می دادند...









از این راه صرفه نخواهد برد اینکار را اداره پستخانه نمی تواند بکند و بالمال منجر به این میشود که اسبابی که باید حمل و نقل شود گرانتر از حالا خواهد شد و صرفه هم اداره پست از این راه نبرده باشد.

رئیس - مذاکرات کافی نیست [ اظهار شد کافی است ]

ماده ۳ - از لایحه وزیر - حمل و نقل اشیا به ذیل از امتیاز انحصاری پست خارج است اولاً اشخاصی که بابت و اسبابشان باره آهن یا بوسیله دیگری که امتیاز آن قبل از وضع این قانون داده شده است بپسندیده نمی فهمم مثلاً راه های معمولی که هیچ امتیازش داده نشده است یا آنها چه معامه خواهد شد چون نوشته اند که فقط راه هائی که امتیازش داده شده است

معاون وزارت پست - آن توضیحیکه در ماده اول عرص گردم اگر چه در نظر بگیرند آقایان بفرمایند منصرف تمام اشکالات آقایان می شود مسافران که انحصار پست می دهند وقتی است که با عراد هر کت می کنند بجهت این که عراد غیر عراد پستی هر کت بدهد لازم است با اولی عراد بدهد نه هر کت بدهد چرا بجهت اینکه ان عراد در راه شوشه باید حرکت بکند و در صورتی که برای حرکت دولت باید آن راه را شوشه بگذرد و منظم باشد و این را هم آقایان باید در نظر بگیرند که این راجع به امروز نیست که راه شوشه دولت یا شوشه در این راه باید نظر باین کرد که راههای شوشه خواهد داشت وقتی که راه شوشه دولت داشته باشد پس باید بیک کاری خانه امتیاز بشویم که مردم را با داری حمل و نقل بکنند وقتی که دولت این انحصار را میدهد چه ضرر دارد که این انحصار را اداره پست خودش دولت دارد از این راه ببرد من منظور است که دولت نمی تواند کاری از پیش ببرد مثلاً همین راه خراسان منحصراً براساس تهنائی اسباب خسارت دولت خواهد شد و وقتی که انحصار حمل و نقل اشیا و اشخاص را با عراد پست دادند ممکن است که دولت هیچ ضرری نبرد و این هم بی ضرری ندارد از برای مردمی که می خواهند حرکت بکنند می آید از پستخانه بلیط می گیرد حرکت میکنند می خواهند بطور سریع السیر برود می خواهند بطور بطی السیر برود اداره هم که می تواند که بانواب خودش قرار بدهد چیزی که امروز می گیرد خیلی کمتر بگیرد با ادارات خودمان مذاکره کردیم که بعد از اینکه این قانون بگذرد می توانیم این قرار را بدهیم در صورتی که برای مردم هم بی ضرری وارد نخواهد شد آنها همین خرج را در حرکت خودشان میکنند بلکه سریع تر خواهند رفت

رئیس - گویا باید از اینجا استثناء شود که این جا شده است و آن این که مسافری که با کاری باشد چه با عرابه یا در شکه باشد از خط پست باشد یا از غیر خط پست چرا بجهت اینکه امتیاز سرعت سپر آن اداره پست داده می شود این مطلق مسافر را بگوئیم انحصار بدهند این نمی شود اما مطلق مسافرت چون نیست این یکی هم باید آشنا بشود

کاشف - در ماده قبل گفته شده است مسافری که بخواهند با پست حرکت کنند هیچ این قید لازم نیست که در اینجا ذکر شود که آزاد هستند همین طور که معمول است البته آزاد هستند و هر طوری که بخواهند مسافرت بکنند مقررند

رئیس - دیگر مخالفی نیست

دکتر حاج رضاخان - این توضیح که داده شد بدرشد و اگر کسی که می خواهد با پست حرکت کند البته مختار است این مختار است لازم نیست که قانون برایش بگذارد و لازم نیست استثناء برایش

رئیس - این که فقط شما اعتراض می کنید این دلیل بر این نیست که من مذاکرات را ختم کنم

رئیس - رأی می گیریم آقایانی که مذاکرات را کافی می دانند قیام نمایند

اولاً - مستورجات تجارتنی و سایر اشیائی که محتمل ایراد خطر برای اجرا باشد یا آنکه مراسلات پستی را کثیف و ضایع کند

ثانیاً - مراسلاتی که حقوق یا کتی با آنها تعلق میگردد و در وقتان ازدیست مثال بیشتر در صورتی که کاملاً تمبر زده نشده باشند

ثالثاً - مستورجات مال التجاره که بیش از هفتاد و پنج مثقال وزن داشته باشد

رابعاً - جوهر خشک یا محلول و رنگهای ملونه خشک یا مایمی که جوهر در آن ها داخل باشد

خامساً - کارت های پستی و کتابها و اجزای مطبوعات و تصاویر و اشکالی که مورت شورش و فتنه یا مخالف قوانین مذهبی یا اخلاقی باشد

کمیسیون جزوینجهم این ماده را اینطور پیشنهاد کرده بود

معاون وزارت پست - این مطلبی که جناب معین الرعایا در خصوص وزن اظهار فرمودند چون این جمله از روی قانون بین المللی ترجمه شده است و این مستورجات از فرنگ باید بیاید چون از آنجا پیش از این اجازه نمی دهند به این جهت نوشته شده است هفتاد و پنج مثقال

معین السلطنه - اداره پست تصور میکنم که امتناع داشته باشد از اینکه اسلحه یا موادی را که اختراق داشته باشد حمل کنند و اینجا اظهار نشده است

افتخار الواعظین - در ماده بعد خواهد آمد

رئیس - کدام میکنند مذاکرات کافی است

ماده ۷ - اداره پست در حمل و نقل اشیا ذیل مجبور نیست

اولاً - اشیا شکستنی و اشیا شکنجه بعضی دست خوردن جزئی ضایع می شود

ثانیاً - اشیائی که بار کردن و محافظت آنها مشکل است

ثالثاً - اشیا بلیط بعلت حجم یا وزن یا بطریق نفایز بندی توسط پست اشکال دارد

رابعاً - اشیا بلیط که وسایل حمل و نقل حاضره برای حملشان کافی نیست

حاجی سید ابراهیم - این جا مطابق شکستنی را نوشته است و همین استثناء مطلق شکستنی صحیح نیست اگر محفوظ باشد چه عیب دارد مثلاً شیشه دروایی است ادرا هم خیلی محفوظ و مطبوعش نموده چه ضرر دارد از این که قبول نکنند

افتخار الواعظین - این جا می گوید مجبور نیست پست یعنی پست در قبول کردن او مجبور نیست و مسئولیت آنرا قبول نمی کند اما اگر دید که بیک چیزی است قابل حمل و نقل است البته قبول می کند و اگر دید که خیر بیک چیزی است شکستنی و درست محفوظ نشده قبول نمی کند مقصود اینست مجبور نیست

رئیس - مخالف دیگری نیست

بجهت - این جا می گوید مجبور نیست ممکن است در جای دیگر حمل بشود مثلاً راه نزدیک باشد یا چیزی دیگر چون این قانون نوشته می شود راجع است بکلی ادارات پستی ممکن است که ادارات جزء بگویند ممکن است و حمل بکنند پس خوب است بیک طوری نوشته شود که آن چیزهایی که حمل و نقلش اسباب خسارت اداره پست می شود حمل نکنند

رئیس پیشنهاد فرمائید تارای گرفته شود

رئیس - مخالفی نیست

ماده ۹ - اداره پست مجاز است که برای احداث پست مقررری بحری فی مابین مملکت ایران و نواحی ماوراء البحر با اشخاص مختلفه فراد دادی بگذارد

رئیس - مخالفی نیست

افتخار الواعظین - اینجا مراد بانواب راههای شوشه است و کمیانی کشتیا است مثلاً دولت در پوشهر و بندر عباس با کمیانی بیک کشتی قرار میگذازند که تمام مسولات سنی دولت ایران را از فلان جا حمل کند تا فلان جا دولت حق دارد آنجا بعضی قرارها با آنها در حمل و نقل کشتیا بگذارد و این هیچ ایرادی ندارد

حاج عز الممالک - اینجا در حقیقت اجازه معلی داده میشود دولت و معین نیست مثلاً شاید امتیاز پست بنادر را دولت بدهد بیک کمیانی بنده عرض میکنم که دولت اگر اجازه پست آنجا را داد به یک کمیانی این باید بطور وضوح معلوم باشد و اینکه ماده باید حذف بشود

آقای میرزا ابراهیم خان - اینجا اگر دقت کرده باشید میگوید اداره پست مجاز است بانواحی ماوراء البحر قرار بگذارد و تصور می کنم دولت نباید در اختیارات راجع به اصلاح و تنظیم داخلی دوائر محدود کرده

آقای شیخ اسدالله - مطلب در همین جا است دولت را مجاز کرده که بیک جزایری بگذارد در خصوص اینکه مراسلات و امانات رد و بدل میشود با پست خارجه شاید نظر اداره پست به این باشد که امتیازش را بیک کمیانی بدهد و من منظور آنست که حاج عز الممالک فرمودند بنده عرض می کنم مائمی تو نیم همچین اجازه بدولت بدهیم که هر قرا دادی بخواهد بگذارد و بدون اطلاع مجلس امتیاز بدهد

آقای سماعیل خان - این فتولی را که اینجا ملاحظه می فرمائید بیک چیزهایی است که در ایران الان معمول به است و این حق را دولت دارد که قراردی بانواب خودش بگذارد و این چیزی نیست که بیاید در مجلس در اینجا که می نویسند فقط بخواهد از برای اینکه واضح و قانونی باشد این است که توضیح میکنند که بانوابهای پست راه شوشه و جاهای دیگر کمیانی هائی که هستند مثلاً انزلی و سایر بنادر قرار دادی اداره پست با آن اداره می گذارد که پاکت ها و اماناتی که باید حمل بشود و بجهت ترتیب حمل بکنند و این گمان نمی کنم که اشکالی داشته باشد

رئیس - مخالف دیگری نیست

[ مخالفی نبود ]

